

دوره ۶، شماره ۴

زمستان ۱۳۸۹

صص ۳۳-۶۰

تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۰/۷

اندیشه‌های نوین تربیتی

دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی

دانشگاه الزهراء(س)

تاریخ دریافت: ۸۷/۱۲/۲۰

تاریخ بررسی: ۸۸/۲/۳

بررسی مؤلفه‌های هوش هیجانی نظریه بار- آن در کتاب‌های درسی سال اول دوره متوسطه

ژاله نخیان*

کلانمهران**

نسرین اکبرزاده***

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی مؤلفه‌های هوش هیجانی بار - آن در کتاب‌های درسی سال اول دبیرستان بود. نمونه این پژوهش، چهار کتاب ادبیات فارسی، مطالعات اجتماعی، دین و زندگی و مهارت‌های زندگی سال اول دبیرستان، اهداف آموزشی و مؤلفان این کتاب‌ها بود. هر یک از این کتاب‌ها و اهداف آموزشی آن بر اساس ۱۵ مؤلفه هوش هیجانی بار - آن و با استفاده از روش تحلیل محتوا بررسی شد. نتایج به دست آمده در این پژوهش نشان داد که به مؤلفه‌های خودآگاهی، حل مسأله، مسئولیت‌پذیری، و قاطعیت به ترتیب در کتاب‌های ادبیات فارسی، مطالعات اجتماعی، دین و زندگی و مهارت‌های زندگی بیشتر توجه شده است، ولی در کل در کتاب‌های درسی مورد نظر به مؤلفه‌های هوش هیجانی از نظر کمی و کیفی بسیار کم‌رنگ و گذرا توجه شده است. اهداف آموزشی این کتاب‌ها نیز با تحقق همه مؤلفه‌های هوش هیجانی همسو نیست.

کلید واژه‌ها:

مؤلفه‌های هوش هیجانی، کتاب‌های درسی، دوره متوسطه

Jalekhoshachian@Yahoo.com

* نویسنده مسئول: کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی

**دانشیار دانشگاه الزهراء(س)

***دانشیار دانشگاه الزهراء(س)

مقدمه و بیان مسأله

در هر جامعه‌ای کودکان و نوجوانان سازنده فردای آن جامعه و کسانی هستند که باید پذیرای مسئولیت‌های اجتماعی آن باشند. در حالیکه امروزه در جهان گزارش‌هایی مبنی بر طغیان هیجانها، نومیدی و بی پروایی در زندگی خانوادگی و جامعه در حال افزایش است. کودکان و نوجوانان نسل حاضر نسبت به نسل گذشته از نظر عاطفی با مشکلات بیشتری مواجه هستند (گلمن^۱، ۱۳۸۳).

در این راستا توجه به هیجانها و کارکرد مناسب آنها در روابط انسانی، درک احوال خود و دیگران، خویشتنداری و تسلط برخواسته‌های آنی، همدلی با دیگران و استفاده مناسب از هیجانها در تفکر و شناخت می‌تواند مهم باشد که موضوع هوش هیجانی^۲ است. هوش هیجانی اولین بار در سال ۱۹۹۰ به وسیله پیتر سالوی^۳، استاد دانشگاه یل و همکاران او عنوان شد. بار - آن^۴ با طرح نظر خود تحت عنوان بهره‌ی هیجانی^۵ آن را عبارت از توانایی‌ها و مهارت‌هایی می‌داند که بر توانایی فرد برای مقابله مؤثر با احتیاجات محیط و فشار آن، اثر می‌گذارد. به طور خلاصه گفته می‌شود که میزان هوش افراد ضامن موفقیت آنها در درازمدت و کل زندگی نیست، بلکه ویژگی‌های دیگری برای برقراری ارتباطات مناسب انسانی و موفقیت در زندگی لازم است که هوش هیجانی نامیده می‌شود. بنابراین، کاربرد هیجانها در تعلیم و تربیت و تدوین یک برنامه جامع و منسجم تعلیم و تربیت بر پایه آموزش توانایی‌های اجتماعی و هیجانی می‌تواند به کودکان و نوجوانان در این راستا کمک کند (اکبرزاده، ۱۳۸۳).

این در حالی است که تأکید نظام آموزش و پرورش ایران بر رشد شناختی و محفوظات است و افرادی را پرورش می‌دهد که هرچند در امور تحصیلی موفق هستند، ولی در عرصه‌های دیگر زندگی چون ابراز عواطف، مدیریت و تنظیم عواطف و مانند آنها ضعیف عمل می‌کنند و در نهایت در یک مورد خاص پیشرفت کرده و در ابعاد دیگر زندگی عقب می‌مانند (دینی، ۱۳۸۱).

1. Goleman
2. Emotinal Intelligence
3. Salovey
4. bar-on
5. Emotional Quotient



همچنین با توجه به ویژگی خاص کشور ما، جوان بودن جمعیت آن و رشد سریع تکنولوژی و تغییرات سریع فرهنگی و افزایش فشارهای موجود در زندگی، کودکان و نوجوانان ما به یادگیری بیشتری در زمینه مهارت‌ها و رشد توانایی‌هایی از جمله بینش و بصیرت، خود آگاهی، ارتباط برقرار کردن، مذاکره و تصمیم‌گیری نیاز دارند (نیک پرور، ۱۳۸۳). پس یکی از نیازهای اساسی دانش‌آموزان توجه به نیازهای اجتماعی و عاطفی و آموزش منظم آنها در مدارس است. این نیازها در سال‌های نوجوانی بیشتر نمود پیدا می‌کند. سهم عمده‌ای از سال‌های نوجوانی در دوره متوسطه سپری می‌شود. در این دوره دانش‌آموزان با ارزش‌ها و باورهای جدید مواجه می‌شوند و باید خود را با انتظارات والدین، گروه همسالان و مدرسه سازگار کنند که باشتاب بیشتری در حال تغییر است. بنابراین، نیازمند مهارت‌ها و توانایی‌های اجتماعی و هیجانی مؤثر برای سازگاری با محیط خود هستند (ملکی، ۱۳۷۹).

بنابراین، باید برای تلاش به دستیابی به آینده‌ای بهتر و پرورش افرادی که در خانواده، محل کار و جامعه افرادی کار آمد و توانمند باشند و از سلامت روانی و عاطفی مناسبی برخوردار باشند، باید به هوش هیجانی و آموزش مؤلفه‌های آن به عنوان مهارت‌ها و توانایی‌ها برای سازگاری بیشتر با محیط زندگی توجه کرد. برای تحقق این اندیشه قبل از هر چیز نظام آموزش و پرورش باید به عنوان قدیمی‌ترین نهادهای اجتماعی به پرورش آینده سازانی کارآمد همت گمارد که بتوانند مسئولیت‌های اجتماعی را بپذیرند و به آموزش همه سویه (شناختی، اجتماعی و عاطفی) کودکان و نوجوانان توجه کند (برندک، ۱۳۸۳).

این مهم را می‌توان از طریق ابزاری چون کتاب درسی، به دلیل متمرکز بودن نظام آموزشی و استاندارد و یکسان بودن آموزش و پیام‌های آن، در کل کشور انجام داد (مرزبان، ۱۳۸۴). در این راستا پر واضح است که مؤلفان و برنامه‌ریزان آموزشی و پرورش باید توجه خاصی به این سازه مهم داشته باشند.

توجه جدید و مدرن امروزی به هوش هیجانی از پژوهش‌های گذشته نشأت می‌گیرد. سالهاست که حتی با حرارت‌ترین نظریه پردازان هوشبهر، به جای آنکه عواطف و هوش را متضاد با هم در نظر بگیرند، کوشیده‌اند تا احساسات را به حیطه هوش وارد کنند.

توران‌دیک، روان‌شناس معروف، در دهه ۱۹۲۰ طی مکالمه‌ای اظهار داشت که هوش هیجانی اجتماعی، توانایی درک دیگران و تحمل عاقلانه در ارتباط‌های انسانی است، که به

خودی خود جنبه‌ای از هوش را تشکیل می‌دهد. وکسلر^۱ در سال ۱۹۴۳ بر جنبه‌های غیر شناختی هوش عمومی تأکید کرد (بار - آن، ۱۹۹۷).

گلیفورد در سال ۱۹۶۷، ابتدا هوش را به ساختار چندگانه پایه‌ریزی کرد که مرکب از یک صدویست نوع مختلف بود. مدل هوش ساختاری گلیفورد نوع خاصی از هوش است که واحدهای متشکل آن اعمال روزانه، محتویات و تولیدات است. گرچه گلیفورد چیزی درباره هوش هیجانی نوشته، اما بعداً مدل جدیدی از ساخت هوشی را پیشنهاد کرد، بدین معنی که پردازش اطلاعات واقعی می‌تواند هوش هیجانی را دربرگیرد (فرگانس، ۱۳۷۳).

اگر کسی باشد که محدودیت‌های سنتی از هوش ادراک را کرده باشد، آن شخص گاردنر^۲ است. به نظر گاردنر یک نوع واحد و یکپارچه هوش نیست که مؤفقیّت در زندگی را تضمین می‌کند، بلکه طیف گسترده‌ای از هوش وجود دارد (گلمن، ۱۳۸۳).

نظریه هوش چندگانه گاردنر شامل هشت نوع هوش متفاوت و مستقل از یکدیگر با نام‌های زیر است:

زبانی (کلامی): موسیقایی، منطقی- ریاضی، فضایی، بدنی- جنبشی، طبیعت‌گرایانه، درک دیگران (میان فردی)، و درک خود (درون فردی).

در سال ۱۹۸۵ واینه لئون پاین^۳، از دانشجویان لیسانسه دانشکده هنرهای آزاد آمریکا، پایان نامه خود را با عنوان هوش هیجانی نوشت. به نظر می‌رسد این اولین استفاده علمی از عنوان هوش هیجانی است. از سال ۱۹۹۰ دوتن از اساتید دانشگاه امریکا، به نام مایر و سالوی، مقاله علمی را منتشر کردند که در آن سعی کرده بودند تفاوت بین توانایی افراد در حوزه هیجانات را به طور علمی اندازه‌گیری کنند (هاینز، ۲۰۰۵).

دایل گلمن، نویسنده نیویورکی، شخصی است که بیشتر با عنوان هوش هیجانی پیوند یافته است، او مطالعات زیادی درباره مغز هیجانی و رفتار جمع آوری کرده بود. در کل این روان‌شناسان سعی کرده‌اند از زاویه بررسی اینکه چه چیزهایی موجب کسب مؤفقیّت در زندگی می‌شوند هوش را دوباره تعریف کنند و این خط پژوهش بدانجا انجامیده که نقش

-
1. Wechsler
 2. Gardner
 3. Wayne leon payne



اساسی هوش فردی یا هیجانی را بار دیگر مطرح کنند.

نظریه‌های هوش هیجانی به دو دسته عمده نظریه‌های توانایی و ترکیبی تقسیم می‌شوند. نظریه توانایی را مایر^۱ و سالوی مطرح کردند. به نظر آنها هوش هیجانی عبارت از پردازش مناسب اطلاعاتی است که بارهیجانی دارند و استفاده از آن برای هدایت فعالیت‌های شناختی مانند حل مسأله و تمرکز انرژی بر روی رفتارهای لازم است (اکبرزاده، ۱۳۸۳: ۷). این مدل از چهار شاخه تشکیل می‌شود. ۱- ادارک، ارزیابی و بیان هیجان ۲- تسهیل تفکر به وسیله هیجان ۳- درک و تجزیه و تحلیل هیجان‌ات (به کار گرفتن دانش هیجانی) ۴- تنظیم و کنترل هیجان از نظر هدلندوسترن‌بگ نظریه‌های مانند نظریه‌های گل‌من و بار - آن در دسته نظریه‌های ترکیبی هوش هیجانی جای می‌گیرند. زیرا این نظریه‌ها مهارت‌های موجود در قلمرو و توانایی‌های ذهنی را با صفات شخصیتی (مانند خوش‌بینی) می‌آمیزند (برندک، ۱۳۸۳).

گل‌من در سال ۱۹۹۵، هوش هیجانی را توانایی‌های خود‌انگیزی، رویارویی با ناکامی، مهار خواسته‌های آنی، به تأخیر انداختن برآوردن نیازها، همدلی و امیدواری تعریف می‌کند و مفهوم هوش هیجانی را در پنج حوزه قرار می‌دهد.

۱- آگاهی از هیجان‌های خود (خود آگاهی): توانایی شناسایی عاطفه‌ها به شکلی که وجود دارد، خود آگاهی نامیده می‌شود.

۲- کنترل هیجان‌ها: اشخاص کارآمد در این حیطة بهتر می‌توانند از هیجان‌های منفی نظیر ناامیدی، اضطراب و تحریک پذیری رهایی یابند و در زندگی کمتر با مشکل مواجه شوند.

۳- خود انگیزتگی (تمرکز هیجان‌ها برای دستیابی به اهداف با قدرت): این مؤلفه مربوط به تمرکز هیجان‌ها برای دستیابی به اهداف با قدرت، اطمینان، توجه و خلأقیّت است.

۴- تشخیص هیجان‌ها در دیگران (همدلی): این مؤلفه اساس مهارت میان فردی است.

۵- کنترل روابط: مهارت در این حیطة با توانایی مشترک در کنترل هیجان و تعامل سازگاران با دیگران همراه است (گل‌من، ۱۳۸۳).

بار - آن (۱۹۹۷) معتقد است که هوش هیجانی مجموعه‌ای از توانایی‌ها و مهارت‌هایی است که فرد را برای سازگاری با محیط و کسب موفقیت تجهیز می‌کند. مدل هوش هیجانی

بار - آن ۱۵ مؤلفه زیر را شامل است.

خود آگاهی هیجانی^۱، قاطعیت^۲، حرمت نفس^۳، خود شکوفایی^۴، استقلال^۵، همدلی^۶، روابط میان فردی^۷، مسئولیت پذیری^۸، حل مسأله^۹، واقعیت سنجی^{۱۰}، انعطاف پذیری^{۱۱}، تحمل فشار^{۱۲}، کنترل تکانه^{۱۳}، خرسندی^{۱۴} و خوش بینی^{۱۵}

با توجه به پیشرفت‌های صورت گرفته در زمینه هوش هیجانی برخی از مدارس به برنامه‌ریزی‌های پرورش هوش هیجانی اظهار علاقه کرده و آن را به برنامه‌های درسی خود اضافه کرده‌اند. به منظور بهبود و اصلاح شیوه زندگی کودکان و نوجوانان و به حداکثر رساندن ظرفیت یادگیری آنها و تبدیل مدارس به محیط‌های مطلوب و ایده‌آل یادگیری، مدارس باید مکان‌هایی باشند که در آنها یادگیری‌های اجتماعی، عاطفی با انواع دیگر یادگیری و آموزش‌های علمی ترکیب شوند (سیاروچی و همکاران، ۱۳۸۳).

متخصصان باید معلمان و مسئولان مدارس را به اهمیت هوش هیجانی آشنا کنند و مهارت‌های هوش هیجانی را در برنامه‌های درسی و آموزشی مدارس بگنجانند تا به دانش‌آموزان آموزش‌های لازم داده شود.

با وجود این که پژوهش‌های درباره اهمیت آموزش هوش هیجانی و چگونگی آن انجام شده است، ولی این حوزه از علم در آغاز راه است. بار - آن از جمله کسانی است در این باره پژوهش‌های بسیاری انجام داده است. او مشاهده کرد که دانش‌آموزانی که در شناخت

1. Emotional self awareness
2. Assertiveness
3. Self-regard
4. self-actualization.
5. Independence
6. Empathy
7. Interpersonal Relationship
8. Responsibility
9. Problem solving
10. Reality testing
11. Flexibility
12. stress Tolerance
13. Impulse control
14. Happiness
15. optimism

احساسات غیر کلامی دیگران توانمند بودند از جمله محبوب‌ترین افراد مدرسه بودند و بیشترین ثبات هیجانی را نشان می‌دادند؛ آنها از عملکرد تحصیلی بهتری برخوردار بودند (بار-آن، ۱۹۹۷).

کانگوسی، پترسون^۱ (۱۹۹۸) با انجام دادن مطالعاتی در میان ۱۷۵ دانش‌آموز دبیرستانی با استفاده از هوش هیجانی بار - آن دریافتند که دانش‌آموزان با هوش هیجانی بالاتر در مدرسه، خانه و روابط با دوستان و محیط کار نسبت به سایر دانش‌آموزان دارای هوش هیجانی پایین‌تر کمتر شکست را تجربه می‌کنند.

بار - آن و دانشجویان او در طی سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۰، در مدارس مایلند پژوهشی انجام دادند تا تأثیر برنامه‌های آموزشی گوناگون بر کاهش رفتار بزهکارانه را مطالعه کنند. او به همراه همکاران خود در پژوهش به این نتیجه رسیدند که برنامه‌های آموزشی که بر مهارت‌های اجتماعی تأکید داشتند، نتایج مثبت بیشتری را به دست آوردند. چنین برنامه‌های شامل مؤلفه‌های اجتماعی و هیجانی مانند کنترل تکانه، مدیریت هیجان و استرس، تصمیم‌گیری مسئولانه، حل مسائل اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی است.

در سال ۲۰۰۳، والبرگ^۲ پروژه رشد کودک (CDP)^۳ را بررسی و ارزیابی کرد. در این پژوهش او مشاهده کرد که در این مرکز درس‌های درباره چگونگی مراقبت از خود، تصمیم‌گرفتن مسئولانه و چگونگی کنار آمدن با حالات عاطفی خود توسط یک برنامه آموزشی پیوسته ارائه می‌شود. این پژوهش نشان داد که دانش‌آموزان این مدارس به صورت همدلانه و همکار گونه با هم رفتار می‌کنند و نزاع و مشاجرات بین خود را به خوبی حل می‌کنند. آنها کمتر از همسالان خود در نوجوانی سیگار می‌کشیدند و کمتر به رفتارهای بزهکارانه روی آوردند.

پژوهشی را در سال ۲۰۰۵، تیم والترز^۴ و برین مکنولتی^۵ در میان ۵۰۰۰ دانش‌آموز کلاس ششمی در ۱۵ مدرسه نیویورک انجام دادند. اثرات بسیار مثبتی در دانش‌آموزانی مشاهده شد

-
1. Cangelosi & peterson
 2. Walberg
 3. child Development Project (CDP)
 4. Tim waters
 5. Brain Mcnulty

که برنامه آموزشی درباره مهارت‌های اجتماعی و هیجانی دریافت کرده بودند. آنها پیشرفت تحصیلی داشتند و معلمان آنها گزارش دادند که این دانش‌آموزان کنترل هیجانی و مهارت‌های اجتماعی بیشتری مانند همکاری را نشان دادند و خشونت کمتری نسبت به همسالان خود داشتند.

در ایران نیز زارع (۱۳۸۱) پژوهشی را تحت عنوان «مطالعه سهم هوش هیجانی در مؤلفیت تحصیلی» انجام داده است. در این پژوهش از پرسشنامه بار - آن از هوش هیجانی به منظور پیش بینی مؤلفیت تحصیلی استفاده شد و نتایج زیر به دست آمد:

- بین هوش هیجانی و مؤلفیت تحصیلی همبستگی معنی داری وجود دارد.
- بین هوش شناختی و هوش هیجانی همبستگی معنی داری وجود ندارد.
- برندک (۱۳۸۳) طی پژوهشی با عنوان «بررسی سودمندی یک برنامه آموزش مهارت‌های عاطفی و اجتماعی در افزایش هوش هیجانی آموزندگان دبیرستانی» به تدوین برنامه‌ای برای آموزش این مهارت‌ها اقدام کرد. جامعه آماری او دانش‌آموزان سال دوم دبیرستان شهر تهران بود. نتایج نشان داد که این برنامه آموزشی در افزایش هوش هیجانی دانش‌آموزان مؤثر بوده است. این پژوهش نشان داد که می‌توان هوش هیجانی را آموزش داد.

این در حالی است که در ایران در زمینه تأثیر گذاری هوش هیجانی بر مؤلفیت دانش‌آموزان و آموزش این مؤلفه‌ها در مدارس پژوهش‌های خیلی کمی انجام شده است.

از سوی دیگر با توجه به اینکه محتوای مطالب آموزشی در نظام آموزشی ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، لذا محتوای مطالب آموزشی نیاز به تحلیل و بررسی علمی دارد. بنابراین، در این پژوهش مؤلفه‌های هوش هیجانی در کتاب‌های درسی بررسی شده است. سؤال‌های اصلی که قصد رسیدن به پاسخ آن وجود دارد عبارتند از:

- تا چه حد مؤلفه‌های هوش هیجانی در محتوای کتب درسی مورد نظر وجود دارد؟
- آیا مجموعه یافته‌ها از تحلیل محتوای درسی می‌تواند زمینه ساز فردی با مهارت‌ها و قابلیت‌های هوش هیجانی باشد؟

روش پژوهش

روش به کار گرفته شده در این پژوهش روش کیفی از نوع تحلیل محتوایی است. در این پژوهش ابتدا محتواهای مورد نظر خوانده شد و سپس پیام‌های مربوط به مؤلفه‌ها استخراج شد. پژوهشگر پس از بررسی مفاهیم در تئوری‌ها و مدل‌های مختلف عوامل مشترک را در نظر گرفت و نظر به اینکه در نظریه هوش هیجانی بار - آن مؤلفه‌های هوش هیجانی به طور مشخص تعریف شده است و مؤلفه‌های خودآگاهی، قاطعیت، حرمت نفس، حل مسأله کنترل تکانه و غیره جداگانه ارائه شده است. این در حالی است که در سایر نظریه‌های مطرح هوش هیجانی به اندازه نظریه بار - آن مؤلفه‌ها مشخص و جداگانه تعریف نشده است. بنابراین، پژوهشگر برای داشتن ملاک و تعریف مشخص به منظور تحلیل دقیق محتوای کتاب‌های مورد نظر مؤلفه‌های هوش هیجانی بار - آن را در نظر گرفت.

جامعه، نمونه پژوهش و روش نمونه‌گیری: جامعه مورد پژوهش کتاب‌های درسی مقطع متوسطه، اهداف آموزشی و برنامه‌ریزان و مؤلفان این کتاب‌ها بود. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. بدین ترتیب نمونه چهار کتاب ادبیات فارسی، مطالعات اجتماعی، دین و زندگی و مهارت‌های زندگی سال اول دبیرستان و مؤلفان این کتاب‌ها بود. همچنین از بین اسناد و مدارک، آن مدارکی انتخاب شد که به اهداف این کتاب‌ها توجه کرده بودند. دلیل گزینش این کتاب‌ها این است که به عقیده سالووی، سلویتر و گلن احتمال وجود مؤلفه‌های هوش هیجانی در آنها بیشتر است.

همچنین چون کتاب‌های مهارت‌های زندگی فقط در سال اول دبیرستان تدریس می‌شود، لذا پژوهشگر کتاب‌های مورد نظر خود را در این سال تحصیلی بررسی کرده است.

روش جمع‌آوری اطلاعات: در این پژوهش برای بررسی عمیق موضوع مورد پژوهش علاوه بر بررسی و تحلیل محتوای کتاب‌های مورد نظر و اهداف آموزشی کتاب‌ها با مؤلفان نیز مصاحبه شد.

بنابراین، برای جمع‌آوری اطلاعات از روش مثلث‌سازی استفاده شد و اطلاعات مربوطه در پژوهش حاضر سه مرحله عملیات را به شرح زیر شامل است:

الف) مرحله اول تحلیل محتوای کتاب‌های درسی است. همان طوری که اشاره شد از بین کتاب‌های درسی دوره متوسطه، کتاب‌های درسی ادبیات فارسی، مطالعات اجتماعی، دین و

زندگی و مهارت‌های زندگی انتخاب و تحلیل شد.

ب) مرحله دوم گردآوری اطلاعات در این پژوهش بررسی اسناد و مدارک مربوط به اهداف آموزشی کتاب‌های مورد نظر بود. اسناد مربوط به اهداف آموزشی سه کتاب ادبیات فارسی، دین و زندگی و مطالعات اجتماعی از سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش تهیه شد، اما چون کتاب مهارت‌های زندگی در این سازمان تدوین نشده بود و سند مربوط به اهداف آموزشی این کتاب در این سازمان موجود نبود، پژوهشگر برای بررسی اهداف آموزشی این کتاب، از کتاب راهنمای کار معلم استفاده کرد.

ج) مرحله سوم گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه تکمیلی با برنامه‌ریزان و مؤلفان این کتاب‌ها بود.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش براساس تحلیل محتوای کتاب‌های ادبیات فارسی، مطالعات اجتماعی، دین و زندگی و مهارت‌های زندگی سال اول دبیرستان بود. در این پژوهش برای کنکاش و بررسی عمیق‌تر موضوع، به بررسی اهداف آموزشی کتاب‌های مورد نظر و مصاحبه با مؤلفان این کتاب‌ها نیز اقدام شد.

۱- بررسی مؤلفه‌های هوش هیجانی بار - آن در تحلیل چهار کتاب مورد نظر برای بررسی هر مؤلفه هوش هیجانی در کتاب‌های مورد نظر ابتدا تعریف آن مؤلفه در نظریه بار - آن در نظر گرفته شد و سپس براساس آن تعریف و نشانگرهای باز گو کننده مؤلفه‌های مورد نظر موردهای مربوط به آنها استخراج شد. بنابراین، در زیر تعریف ۱۵ مؤلفه هوش هیجانی ارائه شده است. به علت اینکه ذکر تمامی موارد مربوط به مؤلفه‌ها از حوصله این مقاله خارج است. در این قسمت برای ذکر مثال موارد مربوط به برخی از مؤلفه‌ها ذکر شده است.

مؤلفه خود آگاهی هیجانی

از نظر بار - آن (۱۹۷۷) توانایی شناخت احساسات خود، تفکیک آنها، آگاهی از احساس خود و چرایی آن است (دینی، ۱۳۸۱).

در کتاب ادبیات فارسی درس ششم جملات «خیر همین که دنیایی خود را بازیافت اهل خانه شادگشتند» (ص ۴۷). «چون مدتی گذشت خیر به دختر علاقمند شد» (ص ۴۸). «از دوری تو غمگین و رنجور خواهم شد» (ص ۴۸) در این جملات به روشنی نشان داده می‌شود که قهرمانان داستان هنگام هیجان چه احساسی داشتند و چرا چنین احساسی را تجربه کردند.

مؤلفه قاطعیت

توانایی بیان احساسات، عقاید و افکار و دفاع از حقوق خود به شیوه‌ای منطقی و غیر مخرب است.

قاطعیت سه نشانه زیر را شامل می‌شود.

الف) توانایی بیان احساسات (مثلاً پذیرش خشم، صمیمیت و احساسات و ابراز آن).

ب) توانایی بیان آشکار عقاید و باورهای خود (خوشایند یا ناخوشایند) و اتخاذ تصمیم راسخ و روشن حتی اگر به قیمت محروم ماندن از مزایا و انجام دادن آن به لحاظ عاطفی مشکل‌زا باشد.

ج) توانایی پایداری برای احقاق حقوق خود یعنی به دیگران اجازه ندهید تا شما را آزار دهد یا از شما نقطه ضعف بگیرند (دینی، ۱۳۸۱).

در کتاب مهارت‌های زندگی در مقدمه این کتاب جملات زیر با روشنی به مؤلفه قاطعیت اشاره می‌کند.

«این توانایی در تصمیم‌گیری به ما کمک می‌کند تا به شکلی فعال در مورد رفتار و اعمال خود تصمیم‌گیری نمائیم» (ص ۷).

«ابراز وجود یعنی ابراز نظر و عقاید متفاوت» (ص ۷).

مؤلفه حرمت نفس

حرمت نفس توانایی احترام به خود و پردازش خود به عنوان شخصی ارزشمند و احترام به خود و دوست داشتن خود به آنگونه که هستیم. یعنی حرمت نفس توانایی پذیرش جنبه‌های مثبت و منفی، قابلیت‌ها و محدودیت‌های خود است. شخص صاحب حرمت نفس احساس

خشنودی و رضایت از خودش داشته و فرد فاقد حرمت نفس احساس بی لیاقتی و حقارت در خود را تجربه می‌کند.

مؤلفه خودشکوفایی

خود شکوفایی مستلزم شناخت توانمندی‌های بالقوه در فرد، سپس رشد و شکوفایی آنها است. این بعد از هوش هیجانی، راهی برای غنا و معنی بخشیدن به زندگی فرد است. تلاش برای شکوفا کردن استعدادها بالقوه با گذشت عمر قابل دستیابی است. فعالیت‌های پر شور در فرد به اهداف دراز مدت او معنی می‌بخشد. خودشکوفایی فرایندی مستمر و پویا برای کسب حداکثر رشد توانایی، قابلیت‌ها و استعدادهاست (دینی، ۱۳۸۱).

در کتاب دین و زندگی در مقدمه مطلب «تردید از این شکفتن و سربر کشیدن را باید در قابلیت جستجو کرد که خداوند در دل دانه به امانت نهاده است دانه از همان هنگام که در خاک قرار می‌گیرد آماده است که رشد کند، شکوفا شود و بر زیبایی آفرینش بیفزاید» (ص ۱). در همان قسمت جمله «دانه با رشد شکوفایی و کسب زیبایی و طراوت از نقص به کمال می‌رسد و قابلیت‌ها و استعداد خود را ظاهر می‌سازد و تا بدین ترتیب به مقصود غایتی که خداوند برایش مقدر کرده است نائل شود» (ص ۱).

از این جملات این مفهوم به نظر می‌رسد که خداوند در وجود هر موجود زنده‌ای استعداد و قابلیت قرار داده است که آنها با تلاش و کوشش می‌توانند به مقصود و غایتی دست یابند که برای آنها در نظر گرفته شده است.

مؤلفه استقلال

استقلال عبارت است از توانایی خود هدایتگری و خود کنترلی در تفکر و عمل و فقدان وابستگی عاطفی.

افراد مستقل، افرادی که در برنامه ریزی و تصمیم گیری‌های مهم متکی به خود هستند. پیش از تصمیم گیری در جستجوی نظرات دیگران بر می‌آیند و به آنها توجه می‌کنند، اما تصمیم نهایی از آن خود آنهاست (دینی، ۱۳۸۱).



مؤلفه همدلی

همدلی توانایی فهم و درک احساسات دیگران و حساس بودن به چگونگی و چرایی این احساسات است. همدل بودن یعنی شناخت احساسات دیگران و افراد همدل نگران دیگران هستند و نسبت به نگرانی‌های آنها همدردی می‌کنند. همدلی بر پایه خود آگاهی بنا می‌شود، هر قدر نسبت به احساسات خود آگاه تر باشیم در دریافت احساسات دیگران ماهرتر هستیم (دینی، ۱۳۸۱).

مؤلفه روابط میان فردی

شامل توانایی برقراری و حفظ ارتباطات متقابل است که صمیمیت و تبادل صحبت از ویژگی‌های آن است.

از ویژگی‌های صحیح مهارت‌های ارتباط بین فردی توانایی صمیمیت، محبت و انتقال دوستی به شخص دیگر است. این قابلیت به فرد امکان می‌دهد که احساسات دیگران را بر انگیزد، الهام بخش آنها باشد، افراد را قانع کند و بر آنها تأثیر بگذارد، به دیگران اطمینان خاطر دهد و ارتباط صمیمی و مداوم را حفظ کند (دینی، ۱۳۸۱).

مؤلفه مسئولیت پذیری

مسئولیت پذیری توانایی ابراز خود به عنوان فردی همکار، کمک رسان و سازنده در گروه‌های اجتماعی است. این توانایی مستلزم مسئول بودن شخص است حتی اگر از این رابطه سودی نبرد. چنین افرادی وجدان اجتماعی داشته و رفتار آنها با پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی جلوه گر می‌شود. این بعد از توانایی با انجام دادن کار برای دیگران، پذیرش دیگران، اخلاقی بودن و رعایت قوانین رابطه دارد (دینی، ۱۳۸۱).

مؤلفه حل مسأله

حل مسأله توانایی شناسایی و تعریف مشکلات، خلق و انجام دادن راه حل‌های مؤثر است. حل مسأله چند مرحله‌ای بوده و توانایی‌های زیر را شامل است.

۱. پذیرش مشکل و داشتن حس کفایت و انگیزه کافی برای مقابله مؤثر با آن.

۲. تعریف و تدوین مشکل تا حد ممکن
۳. خلق راه حل‌های متعدد در صورت امکان
۴. تصمیم‌گیری و به کارگیری راه حل‌ها با وظیفه‌شناسی، نظم‌دهی و روشمندی، نظام‌مدار بودن و دنبال کردن و نزدیک شدن به مشکل مربوطه است (دینی، ۱۳۸۱).

مؤلفه واقعیت‌سنجی

واقعیت‌سنجی توانایی ارزیابی ارتباط بین آنچه که تجربه می‌شود با آنچه که وجود دارد. سنجش میزان ارتباط بین تجربه و واقعیت شامل تحقیق درباره شواهد عینی برای تأیید، توجیح و اثبات احساسات، ادراکات و اندیشه‌هاست. واقعیت‌سنجی شامل درک موقعی کنونی، تلاش برای حفظ شرایط درست و تجربه رویدادها آن گونه که واقعاً هستند (دینی، ۱۳۸۱).

مؤلفه انعطاف‌پذیری

انعطاف‌پذیری توانایی منطبق ساختن عواطف، افکار و رفتار با موقعیت‌ها و شرایط است. این بعد از هوش هیجانی به توانایی کلی فرد در سازگاری با شرایط نا آشنا، پیش‌بینی ناپذیر و پویا تکیه دارد. اشخاص منعطف افرادی فعال، همیار، سازگار و پذیرا هستند. آنها نسبت به ایده‌ها، جهت‌گیری‌ها، روش‌ها و اعمال متفاوت گشاده و صبور هستند (دینی، ۱۳۸۱).

مؤلفه تحمل فشار

تحمل فشار عبارت است از توانایی مقاومت در برابر رویدادها و موقعیت‌های فشارزا بدون توقف همراه با سازگاری فعال و مثبت با فشار است. این توانایی به معنی پشت سر گذاشتن موقعیت‌های مشکل ساز بدون از پا در آمدن و مبتنی است بر:

۱. قابلیت انتخاب روش‌هایی برای سازگاری با فشار و یافتن راه حل‌های مناسب
۲. نگرش خوش بینانه به توانایی برخورد با موقعیت‌های جدید برای غلبه بر مشکل (دینی، ۱۳۸۱).



مؤلفه کنترل تکانه

کنترل تکانه توانایی مقاومت و به تأخیر انداختن تکانه یا وسوسه انجام دادن عملی است. این توانایی شامل قابلیت پذیرش تکانه‌های پرخاش گرانه، خود دار بودن و کنترل خشم، خصومت یا رفتارهای غیر مسئولانه است. کنترل تکانه در واقع نوعی خویشتن داری و توانایی مهاراحساسات و به تعویق انداختن تکانه‌ها در جهت رسیدن به هدف مشخص است (دینی، ۱۳۸۱).

مؤلفه خرسندی

توانایی رضایت از زندگی، لذت بردن از خود و دیگران و شاد بودن است؛ این توانایی رضایت از خود، خشنودی کلی، توانایی لذت بردن از زندگی را شامل است. به طورکلی این جمله از هوش هیجانی لذت از جنبه‌های مختلف زندگی را شامل می‌شود. مردمان خرسند اغلب احساس خوب و راحتی در محیط کار و هنگام فراغت را تجربه می‌کنند. شخصی که بدین لحاظ ضعیف است، احتمال دارد نشانه‌هایی از افسردگی از جمله نگرانی، فقدان اطمینان از آینده، واپس روی اجتماعی، کمبود سائق را ابراز کرده و به احساس گناه، نارضایتی از زندگی دچار شود (دینی، ۱۳۸۱).

در کتاب مطالعات اجتماعی درس سوم از فصل دوم «خانه برای او به صورت مأمنی در می‌آید که پس از فراغت از کار و درگیری‌های روزمره در آن به آسودگی خاطر دست می‌یابد» (ص، ۵۸). این جمله نشان می‌دهد که خانه محلی است که در آن می‌توان احساس راحتی و خرسندی کرد.

در کتاب دین و زندگی جمله زیر نشان دهنده مؤلفه خرسندی است. درس دوم جمله «هرکس از همان کودکی میل و استعداد رسیدن به کمالات و خوبی‌هایی را دارد و به میزانی که به آنها می‌رسد احساس خرسندی و نشاط می‌کند» (ص ۱۰).

مؤلفه خوش بینی

خوش بینی یعنی توانایی روشن دیدن زندگی و داشتن نگرش مثبت حتی در زمان بد اقبالی. خوش بینی نشان دهنده امید به زندگی و رویکرد مثبت به آن است. خوش بینی نگرشی

است که افراد را در رویارویی با حوادث دشوار در مقابل ناامیدی و افسردگی مقاوم می‌کند. (دینی، ۱۳۸۱).

به این ترتیب ۱۵ مؤلفه هوش هیجانی بار - آن به ترتیب در چهار کتاب ادبیات فارسی، مطالعات اجتماعی، دین و زندگی و مهارت‌های زندگی بررسی شد.

جدول ۱: اطلاعات مربوط به تجزیه و تحلیل کتاب ادبیات فارسی
بر اساس ۱۵ مؤلفه هوش هیجانی بار - آن

مؤلفه‌های هوش هیجانی بار - آن	خودآگاهی هیجانی	همدلی	انزبندی	قابلیت	مسئولیت‌پذیری	آشنایی با هیجانات	روابط میان فردی	تجمل استرس	استقلال	انتقال‌پذیری	کنترل تکانه	حل مسأله	خودشکوفایی	واقعیت‌سنجی
فراوانی	۴۸	۳۳	۲۸	۲۱	۱۵	۱۱	۱۱	۸	۸	۵	۵	۳	۲	۱
درصد	۲۳/۰۸	۱۵/۸۶	۱۳/۴۶	۱۰/۰۹	۷/۲۱	۵/۲۹	۵/۲۹	۳/۸۵	۳/۸۵	۲/۴۰	۲/۴۰	۱/۴۴	۰/۹۶	۰/۵

بر اساس جدول ۱ بیش‌ترین درصد فراوانی مربوط به مؤلفه خود آگاهی با درصد ۲۳/۰۸ و کمترین درصد فراوانی مربوط به مؤلفه واقعیت‌سنجی با درصد فراوانی ۰/۵ است. همچنین بر اساس اطلاعات جدول ۱ می‌توان گفت کتاب ادبیات فارسی در جهت پرورش فردی با مهارت‌های هیجانی و اجتماعی لازم به موارد زیر نظر مثبت دارد.

انسانی که به هیجانات و احساسات خود آگاه بوده، توانایی بیان عقاید، احساسات و افکار خود را داشته باشد، از حس انسان دوستی برخوردار باشد، توانایی درک احساسات و نیازهای دیگران را داشته باشد، مسئولیت‌پذیر و از روحیه شاداب و بالایی برخوردار باشد.

جدول ۲: اطلاعات مربوط به تجزیه و تحلیل کتاب مطالعات اجتماعی
بر اساس ۱۵ مؤلفه هوش هیجانی بار - آن

مؤلفه‌های هوش هیجانی	حل مسأله	قابلیت	روابط میان فردی	خودآگاهی هیجانی	واقعیت‌سنجی	مسئولیت‌پذیری	کنترل تکانه	خودشکوفایی	انزبندی	خوش بینی	استقلال	همدلی	انتقال‌پذیری	تجمل فشار	حسرت‌نفس
فراوانی	۱۷	۱۳	۱۱	۹	۸	۵	۳	۳	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۰
درصد	۲۰/۴۸	۱۵/۶۶	۱۳/۲۵	۱۰/۶۴	۹/۴۶	۶/۰۲	۳/۶۱	۳/۶۱	۲/۴۱	۱/۲۱	۱/۲۱	۱/۲۱	۱/۲۱	۱/۲۱	۰



با توجه به جدول ۲ مؤلفه حل مسأله در کتاب مطالعات اجتماعی با درصد ۲۰/۴۸ بالاترین درصد فراوانی را به خود اختصاص داده است. مؤلفه حرمت نفس با درصد فراوانی صفر نشان دهنده آن است که شدیداً مؤلفان نسبت به این مؤلفه بی‌توجه بوده‌اند. در کل بر اساس جدول ۲ می‌توان گفت کتاب مطالعات اجتماعی در جهت پرورش انسانی با مهارت‌های هیجانی و اجتماعی به مورد زیر تأکید بیشتری کرده است.

انسانی که توانایی حل مسائل زندگی اجتماعی خود، توانایی بیان عقاید و احساسات و نظرات خود، توانایی درک موقعیت جدید و ارزیابی آن و توانایی سازگاری با شرایط ناآشنا و پیش‌بینی ناپذیر را داشته باشد.

جدول ۳: اطلاعات مربوط به تجزیه و تحلیل کتاب دین و زندگی بر اساس ۱۵ مؤلفه هوش هیجانی بار-آن

مؤلفه‌ها	نرخ کارگامی هیجانی	مسئولیت‌پذیری	والعینت شخصی	قلعیت	انعطاف‌پذیری	خودشنکوفایی	استقلال	روابط میان فردی	خبرسنجی	خبررسانی	عزت‌پیش	حل مسأله	کنترل نگاه	تحمل فشار	همدلی	خودنفس
فراوانی	۲۰	۱۷	۱۳	۱۰	۹	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۵	۵	۴	۳	۲
درصد	۱۵/۶۲	۱۳/۲۸	۱۰/۱۶	۷/۰۳	۶/۲۵	۶/۲۵	۶/۲۵	۶/۲۵	۶/۲۵	۶/۲۵	۶/۲۵	۳/۹۱	۳/۹۱	۳/۱۳	۲/۳۴	۱/۵۶

با توجه به جدول ۳ در کتاب دین و زندگی مؤلفه خودآگاهی هیجانی با درصد ۱۵/۶۲ بیشترین درصد فراوانی را به خود اختصاص داده است. مؤلفه حرمت نفس با درصد فراوانی ۱/۵۶ نسبت به سایر مؤلفه‌ها کم‌رنگ‌تر است. این کتاب در جهت پرورش انسانی با مهارت‌های اجتماعی و هیجانی لازم به موارد زیر تأکید زیادی کرده است.

انسانی که توانایی بیان افکار و اندیشه خود را دارد و نسبت به اعمال خود مسئولیت‌پذیر است و توانایی درک احساسات خود را دارد، در عین حال توانایی برقراری روابط صمیمی و گرم با دیگران، توانایی درک واقع بینانه رفتار و گفتار خود با معیارهای دینی و انعطاف‌پذیری لازم در مقابل خطا و غفلت را داشته، یعنی در جبران اشتباهات خود کوشا باشد.

جدول ۴: اطلاعات مربوط به تجزیه و تحلیل کتاب مهارت‌های زندگی بر اساس ۱۵ مؤلفه هوش هیجانی بار - آن

مؤلفه	قابلیت	روابط میان فردی	خودآگاهی فردی	حل مسأله	مسئولیت پذیری	انتخاب پذیری	تجمل فشار	آزمون نفس	خودشکوفایی	واقعیت سنجی	خوش بینی	همدلی	استقلال	کنترل نگاه	خرسندی
فراوانی	۱۹	۱۸	۱۲	۱۰	۵	۵	۵	۴	۴	۴	۴	۲	۲	۱	۰
درصد	۲۰	۱۸/۹۵	۱۲/۶۲	۱۰/۵۳	۵/۲۶	۵/۲۶	۵/۲۶	۴/۲۱	۴/۲۱	۴/۲۱	۴/۲۱	۲/۱۱	۲/۱۱	۱/۰۵	۰

با توجه به جدول ۴ در کتاب‌های مهارت‌های زندگی مؤلفه قاطعیت با درصد ۲۰ نسبت به سایر مؤلفه‌ها بالاترین درصد را به خود اختصاص داده است و به مؤلفه خرسندی با درصد صفر کمترین توجه شده است.

با توجه به مطالب بالا می‌توان گفت که محتوای کتاب مهارت‌های زندگی در جهت پرورش نوجوانی با مهارت‌های اجتماعی هیجانی لازم بیشتر سعی کرده است تا توانایی گرفتن حق خود و ابراز عقاید و احساسات و افکار خویش را به طور مستقیم و صادقانه آموزش دهد. همچنین از آنجایی که ارتباط میان فردی به صورت سازنده و مفید بخش دیگری از واقعیت‌های زندگی است به این مؤلفه نیز توجه کرده است.

۲- بررسی مؤلفه‌های هوش هیجانی در اهداف آموزشی چهار کتاب مورد نظر

در این بخش پژوهشگر برای بررسی بیشتر اهداف آموزشی کتاب‌های مورد نظر را بررسی و تحلیل کرده است.

برای بررسی اهداف آموزشی کتاب ادبیات فارسی از مجله رشد ادبیات فارسی استفاده شد. در اهداف آموزشی این کتاب به آموزش مؤلفه‌های خود آگاهی هیجانی، قاطعیت، حرمت نفس، خودشکوفایی، همدلی، روابط میان فردی، حل مسأله و واقعیت سنجی اشاره شده است. برای بررسی اهداف آموزشی کتاب مطالعات اجتماعی از سند راهنمای مطالعات اجتماعی استفاده شد. در اهداف آموزشی این کتاب به آموزش مؤلفه‌های استقلال، روابط میان فردی، مسئولیت‌پذیری، حل مسأله و انعطاف‌پذیری اشاره شده است.

از سند راهنمای دین و قران دوره متوسطه برای بررسی اهداف آموزشی کتاب دین و



زندگی استفاده شد. در اهداف آموزشی این کتاب به ۶ مؤلفه قاطعیت، حرمت نفس، خودشکوفایی، روابط میان فردی و مسئولیت‌پذیری اشاره شده است.

پژوهشگر از کتاب راهنمای معلم مهارت‌های زندگی برای بررسی اهداف آموزشی این کتاب استفاده کرد. اهداف آموزشی کتاب مهارت‌های زندگی به ۱۰ مؤلفه حرمت نفس، خودشکوفایی، همدلی، قاطعیت، روابط میان فردی، حل مسئله، واقعیت‌سنجی، انعطاف‌پذیری، کنترل تکانه و خوش‌بینی اشاره شده است.

در کل، اهداف آموزشی کتاب مهارت‌های زندگی بیشترین اشاره را به مؤلفه‌های هوش هیجانی با ۱۰ مؤلفه کرده است. کمترین اشاره به مؤلفه‌های هوش هیجانی، با ۵ مؤلفه، در اهداف آموزشی کتاب مطالعات اجتماعی شده است. به مؤلفه‌های خرسندی و تحمل فشار در اهداف آموزشی کتاب‌های مورد نظر اشاره نشده است.

۳- بررسی مصاحبه‌های انجام شده با مؤلفان و برنامه‌ریزان کتاب‌های درسی

در این بخش نیز پژوهشگر برای کنکاش و بررسی عمیق‌تر موضوع مورد پژوهش خود با مؤلفان کتاب‌های مورد نظر مصاحبه کرده است.

مصاحبه با ۳ گروه از مؤلفان و برنامه‌ریزان ادبیات فارسی، مطالعات اجتماعی و دین و زندگی انجام شد. پژوهشگر بعد از تلاش و جستجوی فراوان و مراجعه مکرر به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی و معاونت پرورشی به مصاحبه با مؤلفان کتاب مهارت زندگی دوره متوسط در هیچ یک از این مراکز موفق نشد.

پژوهشگر به علت محدودیت زمانی که مؤلفان داشتند، در مصاحبه‌های انجام شده تنها ۵ سؤال را مطرح کرد.

سوالات مطرح شده حول محورهای ۱- تعریف هوش هیجانی ۲- اهمیت آموزش هوش هیجانی ۳- توجه به مؤلفه‌های هوش هیجانی ۴- ضرورت توجه به مؤلفه‌های هوش هیجانی ۵- توجه بیشتر به مؤلفه‌های هوش هیجانی در صورت تغییر، است.

۱- چه تعریفی از هوش هیجانی دارید؟

مؤلفان و برنامه‌ریزان گروه مطالعات اجتماعی تعریف خاصی از هوش هیجانی ارائه

ندادند. مؤلفان و برنامه‌ریزان گروه دین و زندگی با اینکه تعریف دقیقی از هوش هیجانی مطرح نکردند، اما آن را شامل توانایی‌های دانستند که سازگاری فرد با محیط را باعث می‌شود. مؤلفان و برنامه‌ریزان ادبیات فارسی تعریف نسبتاً خوبی از هوش هیجانی ارائه دادند. به نظر این گروه، هوش هیجانی علاوه بر اینکه شامل توانایی‌هایی است که سازگاری با محیط را باعث می‌شود، رفتار برتر را نیز بوجود می‌آورد و مدیریت عواطف را موجب می‌شود.

۲- آیا به نظر شما آموزش هوش هیجانی برای دانش‌آموزان مهم است؟ چرا؟

در کل برنامه‌ریزان و مؤلفان به ضرورت آموزش هوش هیجانی به دانش‌آموزان اذعان داشتند. مؤلفان گروه مطالعات اجتماعی معتقد بودند که باید به آموزش همه جانبه دانش‌آموزان توجه کرد و به این علت آموزش هوش هیجانی را مهم دانستند. مؤلفان گروه دین و زندگی اظهار داشتند. که هوش هیجانی یکی از قابلیت‌های است که خداوند در وجود انسان قرار داده است که باید با آموزش آن را پرورش داد. مؤلفان گروه ادبیات فارسی معتقد بودند که دانش‌آموزان باید مهارت‌هایی را کسب کنند که بتوانند در موقعیت‌های مختلف بهترین رفتار از خود نشان دهند و به همین علت آموزش هوش هیجانی را ضروری دانستند. همچنین این گروه اظهار داشتند، دانش‌آموزان باید مهارت حل مسأله را کسب و به صورت فعال مشکلات خود را حل کنند.

۳- به چه مؤلفه‌هایی از هوش هیجانی در کتاب خود تأکید داشتید؟ چرا؟

هدف مؤلفان و برنامه‌ریزان گروه مطالعات اجتماعی تربیت فردی است که بتواند بیشتر و بهتر با افراد جامعه ارتباط برقرار کند، مسائل خود را حل کند و واقعیت‌های جامعه را نیز در نظر بگیرد. بنابراین، در کتاب مطالعات اجتماعی مؤلفان به مؤلفه‌های حل مسأله، استقلال، واقعیت‌سنجی و مسئولیت‌پذیری توجه کرده‌اند. مؤلفان و برنامه‌ریزان گروه دین و زندگی به مؤلفه‌های خوش‌بینی، مسئولیت‌پذیری، حرمت نفس، خودشکوفایی و روابط میان فردی اشاره کردند. مؤلفان این کتاب آموزش مؤلفه‌هایی نام برده شده را در رشد و تعالی انسان و دورماندن از گناه مؤثر دانستند. مؤلفان و برنامه‌ریزان گروه ادبیات فارسی مدعی شدند که به ۹۰ درصد از مؤلفه‌های هوش هیجانی توجه کرده‌اند به خصوص به مؤلفه حل مسأله در محتوای کتاب خود بیشتر توجه کرده‌اند.



۴- چه ضرورتی باعث شد تا به مؤلفه‌ها در کتاب خود توجه کنید؟

مؤلفان و برنامه‌ریزان گروه مطالعات اجتماعی علت توجه به مؤلفه‌های مطرح شده در سؤال قبل را اهداف تربیت اجتماعی عنوان کردند. مؤلفان و برنامه‌ریزان گروه دین و زندگی بیان کردند که چون انسان قدرت اختیار دارد، نیازمند تعلیم و تربیت و آموزش این مؤلفه‌ها است. آموزش این مؤلفه‌ها به دانش‌آموزان باعث می‌شود کمتر به گناه گرایش یابند و مسئولیت‌پذیر باشند و به وسیله کرامت نفس خود را از گناه دور نگاه دارند.

مؤلفان و برنامه‌ریزان گروه ادبیات فارسی آموزش مؤلفه‌های هوش هیجانی را برای پرورش شخصیت اجتماعی دانش‌آموزان و تبدیل آنها به شهروندان ایده‌آل و مسئول ضروری دانستند.

۵- اگر قرار باشد در کتاب تغییراتی ایجاد شود به کدامیک از مؤلفه‌ها بیشتر توجه می‌کنید؟

مؤلفان و برنامه‌ریزان گروه مطالعات اجتماعی و دین و زندگی به ضرورت ایجاد اصلاحات در کتاب خود اشاره کردند. آنها بیان کردند در صورت ایجاد تغییراتی در کتاب به مؤلفه‌های حل مسأله بیشتر تأکید خواهند کرد تا دانش‌آموزان حل مسائل اجتماعی را بیاموزند. مؤلفان و برنامه‌ریزان ادبیات فارسی نیز عنوان کردند برای پرورش شهروندی ایده‌آل در صورت ایجاد تغییراتی در کتاب ادبیات فارسی به مؤلفه‌های انعطاف‌پذیری، حل مسأله، مسئولیت‌پذیری، خود شکوفایی، حرمت نفس و کنترل تکانه توجه خواهند کرد. پژوهشگر به مصاحبه با مؤلفان و برنامه‌ریزان گروه مهارت‌های زندگی موفق نشد.

بحث و نتیجه‌گیری

برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی در نظام آموزشی ایران جایگاهی حساس و ارزشمند دارد. در آثار ادبی نویسنده یا شاعر می‌کوشد اندیشه‌ها و عواطف خویش را در قالب مناسب‌ترین و زیباترین جملات و عبارتها بیان کند.

در این راستا کتاب ادبیات فارسی توانسته است در قالب جملات زیبا دانش‌آموزان را با عواطف انسانی چون غم و شادی، مهر و کینه آشنا کند و در قالب شعر و داستان در آنها حس

همدلی و نوع دوستی را تقویت کند. این نتایج با اهداف آموزشی این کتاب همخوانی دارد که به مؤلفه‌های همدلی و خودآگاهی اشاره می‌کند. در این راستا گلמן عقیده دارد که درس هیجانی را می‌توان به صورت طبیعی در درس خواندن و نوشتن وارد کرد. مطالب این گونه دروسی می‌توانند به صورتی عرضه شوند که مهارت‌های اساسی چون خودآگاهی، هشیار شدن به احساسات دیگران، همدلی، کنترل تکانه و حل تعارضات را به دانش‌آموزان یاد دهند (گلמן، ۱۳۸۳).

مؤلفان کتاب ادبیات فارسی نیز در گفته‌های خود بر نقش هوش هیجانی به عنوان نوعی توانایی برتر در مدیریت هیجانات تأکید کردند. با وجود این نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در این کتاب به مؤلفه‌های کنترل تکانه و انعطاف‌پذیری با درصد ۲/۴ اشاره کمی شده است. به نظر می‌رسد شاید یکی از علل کم توجهی این است که آموزش این مؤلفه‌ها در اهداف آموزشی این کتاب منعکس نشده است. از سوی دیگر چون مطالب و محتوا در کتاب درسی بر اساس هدف‌های آموزشی تعیین می‌شود. بنابراین، مؤلفان محترم کمتر توانستند از محتوای کتاب برای آموزش مؤثر این مؤلفه‌ها بهره ببرند.

از نکات قابل اشاره دیگر این است که مؤلفان و برنامه‌ریزان گروه ادبیات فارسی آموزش مؤلفه حل مسأله را برای داشتن رفتار فعال برای دانش‌آموزان مهم ارزیابی کردند. همسو با این نظر مؤلفان، نیک‌پرور بیان می‌کند که مواجهه سازنده با مشکلات، مهارت فوق‌العاده ارزشمندی است که آموزش آن برای نوجوانان لازم و ضروری است. از سوی دیگر در اهداف آموزشی کتاب فارسی به مؤلفه حل مسأله توجه شده است، اما با توجه به نتایج کتاب ادبیات فارسی با درصد فراوانی ۱/۴۴ به مؤلفه حل مسأله توجه کمی شده است. با توجه به مطالب می‌توان گفت که مؤلفان کتاب برای پژوهش این اهداف کمتر از محتوای مناسب بهره برده‌اند. در صورتی که محتوا مفاهیم، مهارت‌ها و ارزش‌هایی است که از سوی برنامه‌ریزان برای تحقق اهداف انتخاب و سازماندهی می‌شود (ملکی ۱۳۷۹: ۸۲).

در کتاب مطالعات اجتماعی به مؤلفه حل مسأله با درصد ۲۰/۴۸ بیشترین توجه شده است، اما نمونه‌های مربوط به مؤلفه حل مسأله در کتاب مطالعات اجتماعی بیشتر به صورت فعالیت و پرسش است؛ ولی هیچ توضیحی درباره آموزش حل مسائل ارائه نمی‌دهد. از سوی دیگر بنابه اظهار نظر برنامه‌ریزان و مؤلفان آنها در تهیه و سازماندهی محتوای این کتاب تلاش



کرده‌اند تا دانش‌آموزان را با مسائل اجتماعی در سطوح مختلف اجتماعی آشنا کنند و به آموزش چگونگی حل مسائل اشاره نکرده‌اند، اما به نظر پژوهشگر برای پرورش شهروند خوب تنها آشنا کردن دانش‌آموزان با مسائل اجتماعی کافی نیست و علاوه بر آن باید چگونگی درگیر شدن و حل مسائل را به دانش‌آموزان آموخت.

یکی از نکات قابل اشاره دیگر این است که به مؤلفه حرمت نفس با درصد فراوانی صفر و مؤلفه‌های تحمل فشار و همدلی با درصد ۱/۲۱ توجه کمی شده است. همچنین در بررسی اهداف و مصاحبه‌ها پژوهشگر متوجه شد که اشاره‌ای به مؤلفه‌های حرمت نفس، تحمل فشار و همدلی نشده است.

به نظر می‌رسد که در این کتاب مؤلفان و برنامه‌ریزان گروه مطالعات اجتماعی به تمام ویژگی‌ها و نیازهای دوره نوجوانی کمتر توجه کرده‌اند. برنامه‌ریزان و مؤلفان مطالعات اجتماعی مناسب‌تر است به نیازهای نوجوانان، از جمله نیاز به افزایش حرمت نفس، نیاز به یادگیری شیوه‌های کنار آمدن با فشار زندگی، نیاز به درک احساس دیگران بیشتر توجه کنند تا در انتخاب و سازماندهی محتوای کتاب‌ها به نحوی مطلوب و مناسب پاسخ‌گوی این نیازها باشند.

از سوی دیگر در اهداف آموزشی این کتاب به مؤلفه‌های استقلال و انعطاف پذیری اشاره شده است. این در حالی است که به این مؤلفه‌ها در محتوای کتاب با درصد ۰/۷۵ توجه کمی شده است. همچنین مؤلفان نیز در اظهارات خود به این مؤلفه‌ها اشاره‌ای نکرده‌اند. در این باره به نظر می‌رسد بین مؤلفان و کسانی که اهداف آموزشی تدوین کرده‌اند، هماهنگی لازم وجود ندارد.

با توجه به اطلاعات به دست آمده در کتاب دین و زندگی به مؤلفه خود آگاهی با درصد ۱۵/۳۸ نسبت به سایر مؤلفه‌ها توجه بیشتری شده است. با وجود این در طی مصاحبه انجام شده مؤلفان این کتاب به کاربرد این مؤلفه در محتوای کتاب هیچ اشاره‌ای نکردند. بنابراین، به نظر می‌رسد مؤلفان این کتاب اطلاع کمی نسبت به گنجانیدن این مؤلفه در محتوای کتاب داشتند.

در کتاب دین و زندگی به مؤلفه مسئولیت پذیری با درصد ۱۳/۲۸ توجه بیشتری شده است. همسو با این نتیجه مؤلفان بیان داشته‌اند که به مؤلفه مسئولیت‌پذیری در محتوای کتاب

توجه داشته‌اند. همچنین در اهداف آموزشی نیز به این مؤلفه توجه شده است. در اینجا نکته شایان اشاره این است که در این کتاب به مؤلفه‌های همدلی و کنترل تکانه به ترتیب با درصد ۲/۳۴ و ۳/۰۷ توجه کمی شده است همچنین به این مؤلفه‌ها در اهداف آموزشی و مصاحبه‌ها نیز اشاره‌ای نشده است.

اما این در حالی است که به نظر گل‌من همدلی به احساس مسئولیت‌پذیری، رعایت کردن حال دیگران و دلسوزی می‌انجامد (۱۳۸۳). همسو با این مطالب بار - آن بیان می‌کند از آنجا که زندگی جمعی به ویژه در عصر حاضر به هم یاری و مشارکت نیاز دارند لازم است با تقویت همدلی در نوجوانان آن‌ها را به رفتارهای جمعی هدایت کرد (بار - آن، ۲۰۰۰). با توجه به اطلاعات به دست آمده به مؤلفه حرمت نفس با درصد ۱/۵۳ توجه کمی شده است.

از سوی دیگر سنگ بنای هوش هیجانی خویش‌داری و کنترل تکانه است و زندگی با فضیلت بر پایه آنها قرار گرفته شده است. این توانایی راه را برای همدلی کردن، گوش کردن واقعی و احترام گذاشتن به دیدگاه دیگران هموار می‌کند.

با توجه به نتایج تحلیل محتوای کتاب مهارت‌های زندگی یکی از نکات جالب توجه نحوه پرداختن این کتاب به مؤلفه‌های قاطعیت و حل مسأله است. از نظر بار - آن قاطعیت یعنی ایستادگی بر آن چیزی که آن را باور داریم و در پی آن هستیم (دینی، ۱۳۸۱).

در کتاب مهارت‌های زندگی با دقت و تعمق بیشتری به آموزش این مؤلفه توجه شده است. در این کتاب در فعالیت‌های کلاسی چگونگی بیان افکار و احساسات، بدون آنکه حقوق دیگران را زیر پا بگذارند، آموزش داده شده است. در این کتاب مراحل حل مسأله به شیوه‌ای که در نظریه بار - آن آمده است، برای دانش‌آموزان توضیح داده شده است و آنها به طور مؤثر و دقیق با فرایند حل مسأله در این کتاب آشنا می‌شوند.

به نظر می‌رسد یکی از علل توجه دقیق و عمیق به مؤلفه‌های قاطعیت و حل مسأله این است که در اهداف آموزشی این کتاب به طور دقیق به این مؤلفه‌ها توجه شده است. این استدلال درباره مؤلفه روابط میان فردی نیز صدق می‌کند. ارتباط خوب و سازنده با دیگران در ایجاد روابط سالم و شاداب میان دوستان بسیار اساسی است. با توجه به نتایج یافته‌ها در کتاب مهارت‌های زندگی به مؤلفه روابط میان فردی با درصد ۱۸/۵۶ بعد از مؤلفه قاطعیت با درصد



۱۹/۵۹ بیشترین توجه شده است. از سوی دیگر به این مؤلفه در اهداف آموزشی این کتاب نیز تأکید شده است.

در کتاب مهارت‌های زندگی به سایر مؤلفه‌ها خیلی کم توجه شده است. البته این نکته شایان توجه هست که توجه مؤثر به تمام مؤلفه‌ها در محتوای یک کتاب امکان پذیر نیست، ولی کتاب مهارت‌های زندگی برای سایر پایه‌های مقطع متوسطه تدوین نشده است. بنابراین، به نظر می‌رسد سیاست گذاران محترم آموزش و پرورش، به آموزش مهارت‌های زندگی، به عنوان هدف مهم و اساسی کمتر توجه کرده‌اند و شاید به ضرورت آموزش مهارت‌های زندگی برای دانش‌آموزان باور عمیق ندارد.

در کل نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که کتاب‌های درسی مورد نظر به صورت ناقص و گذرا به آموزش مؤلفه‌های هوشی هیجانی توجه کرده‌اند. در این کتاب‌ها به آموزش مؤلفه‌های مهمی چون حرمت نفس، خودشکوفایی، استقلال، حل مسأله، کنترل تکانه و خرسندی به طور مؤثر و کافی توجه نشده است. این نکته شایان ذکر است که به مؤلفه حل مسأله فقط در کتاب مهارت‌های زندگی به صورت دقیق و عمیق توجه شده است و آن در حالی است که این کتاب در تمام مدارس برای همه دانش‌آموزان کشور تدریس نمی‌شود.

همچنین اهداف آموزشی این کتاب‌ها با تحقق همه این مهارت‌ها و مؤلفه‌ها همسو نبوده و با تمام نیازهای دانش‌آموزان نوجوان منطبق نیست. همچنین با توجه به تعبیر و تفسیر یافته‌ها به نظر می‌رسد مؤلفان به رغم اهمیتی که به آموزش بعضی مؤلفه‌ها قائل بودند و به علت مطرح نشدن آن به صورت هدف آموزشی کمتر توانستند این مؤلفه‌ها را در محتوای کتاب‌ها منعکس کنند. بعضی مؤلفه‌ها نیز به صورت اهداف آموزشی مطرح شده بودند، ولی مؤلفان در مصاحبه و محتوای کتاب کمتر به آن اشاره کردند. به نظر می‌رسد در این باره بین مؤلفان کتاب و برنامه‌ریزان اهداف آموزشی هماهنگی لازم وجود ندارد.

بنابراین، به نظر می‌رسد قبل از هر چیزی باید مسئولان محترم نظام آموزش و پرورش نسبت به هموار کردن و تسهیل آموزش مهارت‌های هوش هیجانی توجه کنند و آموزش این مهارت‌ها را جزو اهداف اصلی خود برای پرورش افرادی با مهارت‌های هیجانی و اجتماعی لازم قرار دهند و درصدد تدوین اهدافی برای آموزش این مهارت‌ها باشند تا بر حسب اهداف تعیین شده محتوای مناسبی برای آموزش مهارت‌ها و قابلیت‌های هیجانی و اجتماعی تهیه

شود. برای تعیین این اهداف البته باید نیازها و وضعیت فعلی دانش‌آموزان نوجوان مشخص شود و بر اساس این نیاز اهداف آموزشی لازم برای آموزش مهارت‌های هوش هیجانی تعیین شده و در قالب کتاب یا محتوای درسی آورده شود.



منابع

- اکبرزاده، ن، (۱۳۸۳). هوش هیجانی دیدگان سالوی و دیگران، تهران، فارابی.
- برندک، م، (۱۳۸۳). بررسی سودمندی یک برنامه آموزش مهارت‌های عاطفی در افزایش هوش عاطفی آموزندگان دبیرستانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء (س).
- دینی، ف، (۱۳۸۱). بررسی ارتباط بین پیشرفت تحصیلی و سبک‌های مقابله با بحران با هوش هیجانی در میان دانشجویان دانشگاه‌های تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء (س).
- زارع، م، (۱۳۸۵). مطالعه سهم هوش هیجانی در پیشرفت تحصیلی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، انیستیتو روانپزشکی ایران.
- سیاروچی، ژ: فورگاس، ژ و مایر، ج، (۱۳۸۳). هوش هیجانی در زندگی روزمره، ترجمه اصغر نوری امامزاده ای، حبیب الله نصیری، اصفهان، نوشته.
- فرگانس، ج، پ، (۱۳۷۳). روانشناسی تعاملات اجتماعی، ترجمه مهرداد فیروز بخت، تهران، امجد.
- گل‌من، د، (۱۳۸۳). هوش هیجانی، ترجمه نسرين پارسا، تهران، رشد.
- مرزبان، پ، (۱۳۸۴). بررسی تطبیقی محتوای کتب درسی مقطع ابتدایی با آرمانها و ارزشهای حاکم بر نسبت چشم انداز بلند مدت توسعه جمهوری اسلامی ایران در بعد فرهنگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء (س).
- ملکی، ح، (۱۳۷۹). مبانی برنامه‌ریزی درسی آموزش متوسطه، تهران، سمت.
- نیک پرور، ر، (۱۳۸۳). آشنایی با برنامه آموزشی مهارت‌های زندگی، تهران، معاونت امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی کشور.

- Bar- on, R, (1997). *The Emotional Quotient Inventorg (EQ-I); A Measure of emotional intelligence*, Toronto, Conada: Multi- Health systems.
- Bar- on, R, (2000). Emotional and Social intelligence: insights from the Emotional Quotient Inventorg (EQ-1).
- Con ge Isoi, R. R & Peter son. M.L, (1998). Peer teaching assertive commenication Stratgeries for the work place. <www.casle.org>
- Hein's Steve, (2005). Steve Hein's Emotional Intelligence Site: The EQ Institute. <www.egi.org>.
- Walberg, R.P, (2003). Primarg Prevention: Educational approaches to enbauce Social and emotional learning, *The Joarnal of School Health*, Vol20, Isse5.
- Waters, T & Mcnulty, T, (2005). The activities for teaching emotional intelligence, <www.casel.org>.

